

بسم الله الرحمن الرحيم

جهانگیری کرونا - آن روی سکه

محمد اسماعیل اکبری¹

"و اذا مرضت فهو يشفين" وقتی بیمار میشوی او شفا میدهد- قرآن کریم.

جهانگیر شدن بیماری واگیر ویروسی از خانواده آشنای کرونا و نشان دار شدن شاخص های علمی ضعیف در قبال آن و بی اثر شدن هر آنچه بشر بعنوان مولفه و موثره قدرت میشناخت، فضا را برای تحلیلی نو آماده تر میکند. بدیهی است اینجانب نیت تحلیل فلسفی موضوع را ندارم که نه توان کافی و تخصص آن حاصل است و نه کمبود دانشمندانی که این مهم را تبیین فرمایند. غرض بیان مطالبی است مبتنی بر شاخص های علم بیولوژیک امروز از جایگاهی دیگر که آن روی سکه اش مینامیم.

در نیمه دوم ماه میانی زمستان، خبری رسید که ویروسی نام آشنا از خانواده تاجداران (کرونا بمعنی تاج) سر به شورش برداشته و علیرغم ذات وجودیش انسان را برای بقای خود برگزیده است. انسان ها این مهمان ناخوانده را نمیپذیرند و جنگی نامتعادل راه می اندازند که نتیجه ای جز تسلیم و خسران در ابعاد مختلف ندارد. گفته میشود که این ویروس با دستکاری انسان های چینی و یا امریکایی و یا مشارکت آنها با مقاصد خاص بجان انسان افتاده، اما چه فرق میکند، شاید ویروس برای انجام ماموریتش آمده است و هر آنچه پشت سر او هست "اسباب" حضورش هستند نه مصدر آن. اینها وسیله ای برای قدرت نمایی هستند چون "او از انجام امور جاری بجز با اسباب آن ابا دارد" (ابی الله ان یجری الامور الا باسبابه...).

¹ فوق تخصص جراحی غدد و سرطان
استاد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
رئیس انجمن آموزش پزشکی ایران
رئیس مرکز تحقیقات سرطان

اکنون قدرتی بسیار فراتر از انسان ناتوان و ره گم کرده که قدرت خویش را در علم ناقص و سلاح های وامانده اش تعبیر میکرد، خودنمایی میکند، قدرتی که با یکی از ریزترین مخلوقاتش تصمیم گرفته است علم قلیل و توان اندک بشر را به او بنمایاند و او را به تامل، تعقل و شاید رستگاری هدایت کند.

این موجود کوچک از توده ای کروماتینی (پروتئینی) با غشای محکم ساخته شده است که با پوششی از چربی محافظت میشود و تاج های چربی روی آن، عامل تعامل با سلول های انسانی هستند. این ویروس قدرت تکثیر همانند آنچه در موجودات زنده معمول است را ندارد و این امر را به سلول های انسانی میزبانش میسپارد.

میلیون ها ویروس کرونا را به سختی میتوان با وسایل بینی امروز رویت کرد اما اکنون عملکرد هر یک از آنها نمایان و قابل تعبیر شده است. ویروس کوچک با شاخ های تاجی شکلش به سطح سلول های عمدتاً تنفسی میچسبد و بدون مجوز وارد سلول میشود.

معمولاً در حالت عادی وقتی موجود یا عامل بیگانه ای وارد سلول میشود، عوامل درون سلولی براحتی آنرا مهار کرده یا از بین میبرند و یا با شناختی که بشر از ماهیت آن پیدا میکند، برایش واکنشی میسازد تا در سن مناسب سلول های انسانی را در مقابل آن حفظ کند؛ سرانجام هم با بهره گیری از داروهایی حضور مهمان ناخوانده را بی ضرر میکند؛ بعنوان مثال بشر ویروس های سرخک و سرخجه را با واکسن و ویروس ایدز را با اصلاح رفتار و بعضی دارو ها کنترل کرده است؛ اما امروز هنوز چنین توانی را در خود نمیبیند نه واکنشی برای پیشگیری نه دارویی برای درمان. آنوقت دیکته میشود که راه مقابله دل بردن از هر آنچه است که بعنوان ثروت و داده جمع کرده ای: باید فرزند دلبدت را نبینی، بر اتومبیل زیبا و قدرتمندت سوار نشوی به فلان محل خوش آب و هوا و زیبا نروی و بمانی تا شاید قدرتی که ویروس را آورده است باز گرداند!

ویروس پس از ورود به سلول هم وارد چرخه ژنتیکی آن میشود و هم وارد محل ساخت وسازهای پروتئینی سلول و بطور کامل فرماندهی سلول را به دست میگیرد. اینجا دیگر ویروس است که دستور میدهد نه انسان و خواست او. ویروس ماموریت تعریف شده ای دارد. تقریباً به همه جا سر میزند و بر

حسب عملکرد مردم و مسئولین آنجا، عده ای را گرفتار میکند که حدود 80 درصد آنها بدون علامت و یا با علامت های مختصر هستند و غالباً بهبود می یابند؛ 20 درصد به مراکز درمانی مراجعه میکنند که حدود یک چهارم آنها به بخش های ویژه ارجاع میشوند و نیمی از آنها فوت میکنند. این فرمول در همه کشور های جهان تقریباً مشابه است و ماموریت تعریف شده ویروس را نشان میدهد.

جالب است اذعان کنیم که همه علم و امکانات سوفسطایی جهان تسلیم شد و نتوانست کاری فراتر از آنچه در همه جا معمول است انجام دهد. برخی مدیران متکبر غربی که ابتدا این مدیریت را باور نداشتند امروز سر تسلیم فرود آورده و با چشمان از حدقه بیرون زده عملکرد ویروس را مینگرند. ساده اندیشی است که تصور کنیم رهبران غربی از ماجرا بی خبر بودند؛ آنها که یا خود عامل و واسطه بودند یا از رفتارهای علمی یکدیگر مطلع بودند، این ماموریت را باور نکردند. عرف است که میگوییم جاسوسان غربی قبل از اینکه بوی آزمایشی از لوله آزمایشگاه بلند شود مطلع میشوند اما اینجا در پناه خوی استکباری و قلدری ذاتی فرهنگ غربی، آنرا تا حدی به تسامح گذرانند و پیش آمد آنچه میتوانست کمتر پیش آید. شاید کمی گفتن این بیان هنوز هم سخت باشد اما چون سخت تر از آنرا به چشم مبینم میگویم که احتمالاً این هم از خواست همان قدرت لایزالی است که ماموریت را به ویروس کرونا سپرد. امروز همه جهان درگیر و هر آنکه تکبر بیشتر دارد گرفتارتر.

گاهی از زبان سازمان های بین المللی جملاتی را بر حسب شغل و جایگاهشان میشنویم که اگرچه غیرمعمول است اما درست است بدین معنی که دنیا را یکپارچه بدانیم و تلاش کنیم تا با بروز مولفه های معنوی، رحمت خالق هستی را جلب کنیم. اگر همدلی و همراهی، گذشت، ایثار، نועدوستی و مسئولیت پذیری در قبال عام را بپذیریم، شک نکنیم که درهای رحمتش گشوده و مشکل حل میشود اما متأسفانه آنچه دیده شد و میشود خلاف این دیدگاه است. مرزها را میندند، اقوام را تحریم میکنند و بر داشته های دیگران با خوی استکباری چوب غارت میزنند؛ این راه بجایی نمیرد حتی اگر ماموریت ویروس کرونا به اتمام برسد.

اما راه حل؟ باز هم بیان این مطلب گران می آید اما دنیا و مشخصا ما تجربه آنرا داریم و اثرات حاصله را در قالب مقالات بین المللی به تحریر کشیده ایم. اگر از یکپارچگی جهانی که حدوث آن در این شرایط بعید است بگذریم با اصلاح رفتار شخصی، امید نتیجه ای مطلوب وجود دارد.

همانطور که گفته شد ویروس پس از ورود به سلول فرماندهی آن را در دست میگیرد و سلول را وادار به کپی برداری و تکثیر خود میکند تا آنجا که عملکرد سلول مختل شده و رفتاری مغایر سلامت میزبان پیدا میکند.

میگوییم نظام ایمنی و چگونگی پاسخ سلول به حضور ویروس از عوامل تاثیرگذار هستند، حال اگر قدرت پاسخگویی نظام ایمنی را با شاخص های معنوی بالا ببریم کمکی به مدیریت و کنترل ویروس کرده ایم. در تحقیقات متعددی به اثبات رسیده است که مولفه های معنوی همچون توکل، ایثار، گذشت، بخشش، عفو، صبر، دعا و امثالهم میتواند تاثیر مثبت بر ساختار ایمنی انسان گذاشته و به کمک بیاید. این دیدگاه ها حتی میتوانند بیان ژنها را در پاسخگویی به مهمان ناخوانده یعنی ویروس متفاوت کنند بنحوی که امکان کنترل و مدیریت آن بیشتر و بهتر فراهم شود. این اصول بارها در مقالات متعدد در سراسر جهان به اثبات رسیده بنحوی که امروز آنرا از روش های معمول در کنترل بیماریها بویژه بیماری های صعب العلاج چون سرطان ها میشناسیم. دعا درمانی و توکل و به کمک گرفتن قدرتی فراتر از آنچه در کتاب ها معمول میباشد، روشی است که حتی در دانشگاه های بزرگ غربی به روش مقبول و معتبری تبدیل شده است. در ادبیات مذهبی- تاریخی ما نمونه هایی از این عملکردها که اسباب بروز خواست الهی هستند را مکرر خوانده و شنیده ایم. زنده شدن انسان ها، مُردن لحظه ای با درخواست انسان، درمان بیماران با روش های غیرمعمول حتی از راه دور و ده ها مثال دیگر.

وقت است که باز آییم...